یادداشت روز

سایه لطف خدا در سالی که گذشت

زمین در طواف نور است و در این تسبیح مدام؛ یک واحد دیگر از روز هجرت رسول خاتم به مدینه، فاصله گرفت و به روز قیام موعود نزدیک‌تر شد. چشم ظاهربین ما در گردش کره خاکی به دور خورشید جز ماه و سال نمی‌بیند اما برای اهل نظر این حرکت، هجرت از شب ظلمانی فراق به روز وصال است. و سوگند به زمان که انسان در خسران است مگر مؤمنان و صالحان؛ صابران و حق‌طلبان!

دست تقدیر سال یک هزار چهارصد و دوی خورشیدی را با همه فراز و نشیبش، زیبا رقم زد. در این سال مثل سال‌های گذشته سعی کردیم راوی منصف و صادق اخبار ایران و جهان باشیم. ما در کیهان مثل رسانه‌های غربگرای داخلی، رویدادهای امیدآفرین را به تیغ سانسور نسپردیم و اخبار باربط و بی‌ربط خارجی را بهانه‌ای برای هراس و آشوب در افکار عمومی نساختیم. ما با یأس و ترس ملت کاسبی نکردیم.

ما سعی کردیم با افتخار رسانه مکتوب جمهوری اسلامی ایران باشیم و هیچ باکی نداریم که بگوییم این جهت‌گیری را به اندازه توان‌مان در تمام محتوای تولیدی‌مان حفظ کردیم. هیچ رسانه‌ای بی‌طرف و بی‌جهت نیست اما کیهان کوشش کرد در عین طرفداری از جمهوری اسلامی ایران، از چارچوب انصاف نیز خارج نشود.

مهم‌ترین خبری که در فروردین ۱۴۰۲ منتشر کردیم شاید یورش نظامیان صهیونیست به مسجدالاقصی بود. آن زمان هنوز خبری از طوفان‌الاقصی نبود و صهیونیست‌ها طبق روال عادی‌شان در این ۷۵ سال اشغال سرزمین فلسطین، باز هم به فلسطینیان حمله و آنها را زخمی و شهید کردند.

در اردیبهشت ۱۴۰۲ اولین نماز عید فطر به امامت رهبر انقلاب پس از قریب به سه سال همه‌گیری کرونا، تجمعی باشکوه و تصاویری خیره‌کننده در تهران رقم زد و ما نیز آن را برای مخاطبان‌مان منعکس کردیم. آن زمان زخم آشوب‌های ۱۴۰۱ بر جامعه ایران هنوز کاملا التیام نیافته بود. نفرت‌پراکنی آشوب‌طلبان و رسانه‌های آشوب، خشونت را به میان بخشی از جامعه کشانده بود. نتیجه همین خشونت کور، شهادت حمید الداغی، جوان سبزواری بود که در نزاع با دزدان نوامیس زخمی شد و اندکی بعد به شهادت رسید تا در ایران به عنوان شهید غیرت لقب بگیرد و پیش از آن، روح الله عجمیان، آرمان علی‌وردی و... حجت‌الاسلام عباسعلی سلیمانی عضو مجلس خبرگان رهبری، یکی دیگر از قربانیان نفرت‌پراکنی‌های آشوب‌طلبان بود. روحانی دلسوز و ساده‌ای که در بابلسر فقط به جرم پوشیدن لباس روحانیت به ضرب گلوله به شهادت رسید. در اردیبهشت ۱۴۰۲ دریادلان نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران افتخار آفریدند و ناوگروه ۸۶ پس از یک سفر طولانی به دور دنیا به سواحل کشورمان بازگشت تا رویدادی تاریخی را برای ایران به ثبت برساند.

خرداد برای ایران همیشه نوید فتح داده است. در خرداد ۱۴۰۲ نیز اسدالله اسدی دیپلمات کشورمان که با پرونده‌سازی واهی اروپایی‌ها سال‌ها در زندان بلژیک اسیر و تحت شکنجه قرار گرفته بود؛ بالاخره از رنج اسارت رها شد و به میهن بازگشت. رونمایی از موشک مافوق صوت فتاح توسط رئیس‌جمهور یکی دیگر از فتوحات خرداد ۱۴۰۲ بود. رویدادی که چشم ناظران بین‌المللی را به ایران خیره کرد و مسلما هراس را به اردوگاه دشمن انداخت.

تیرماه ۱۴۰۲ یادآور ذوق‌زدگی غربگرایان داخلی از شورش نیروهای واگنر در روسیه است. آنها حتی در رسانه‌هایشان چیزی نمانده بود تا خبر سقوط مسکو را نیز منتشر کنند! اما وقتی در جهان جدید، آمریکا نقش تعیین‌کننده‌ای ندارد؛ حال و روز پادوهای آمریکا نیز بهتر از آن نخواهد بود. خوشحالی آن روزهای غربگرایان از تحولات جنگ اوکراین احتمالا این روزها به افسردگی مزمن تبدیل شده وقتی می‌بینند چهره‌های غربی به دولت اوکراین، تسلیم شدن مقابل روسیه را پیشنهاد می‌کنند. در تیر ۱۴۰۲ ایران پس از طی شدن فرآیندهای عضویت، بدون برجام و FATF عضو رسمی پیمان شانگهای شد و تیم ملی والیبال جوانان نیز به قهرمانی جهان رسید. در این ماه رژیم صهیونیستی و دولت‌های اروپایی که سعی می‌کردند خود را برای سالگرد آشوب‌های ۱۴۰۱ در ایران آماده کنند. گرفتار آشوب‌ها و اعتراضاتی به مراتب فراتر از ایران شدند. تصاویر سرکوب مردم در فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی و تجمعات انبوه در اراضی اشغالی و برخورد با شرکت‌کنندگان در تظاهرات، دهان مدعیان حقوق بشر را دست‌کم تا مدتی بست.

مرداد ۱۴۰۲ با یک نام گره خورد: «فرزاد بادپا». جوان شیرازی که در اوج شجاعت به عامل تروریستی داعش در صحن شاهچراغ حمله و او را خلع سلاح کرد. در حالی که آشوب‌های آشوبگران در پاییز ۱۴۰۱ جان تازه‌ای به عوامل تروریستی داعش داده بود و آنها دومین عملیاتشان در شیراز را اجرا می‌کردند؛ «فرزاد بادپا» نگذاشت تا خاطره تلخ آبان ۱۴۰۱ و شهادت هموطنان در حرم شاهچراغ برای مردم ایران تکرار شود.

راهپیمایی عظیم زائران حسینی در اربعین خبر تکراری اما کهنه‌نشدنی شهریور ۱۴۰۲ بود. عشق و علاقه‌ای که با وجود گذشت ۱۴ قرن، شور و حرارتش سال به سال بیشتر می‌شود. رویدادی که هرگز در محاسبات مادی طبیعی به نظر نمی‌رسد اما ما ماهیان مستغرق در دریای عادت، قیمت آن را نمی‌دانیم. در شهریور ۱۴۰۲ ایران باز هم بدون برجام و FATF! این بار به عضویت گروه بریکس درآمد و البته باز هم بدون برجام و FATF توانست طلب ۷ میلیارد دلاری خود از کره جنوبی را وصول کند؛ در این ماه با شاهکار مهندسان ایرانی و بدون برجام و توتال، فاز ۱۱ پارس جنوبی پس از ۲۰ سال وقفه راه‌اندازی شد و به بهره‌برداری رسید. شهریور ۱۴۰۲ نشان داد رؤیاهای دولت آقای روحانی در دولت آقای رئیسی فقط یک خاطره است.

مهر ۱۴۰۲ طوفانی در فلسطین آغاز شد که جهان را درنوردید. «طوفان‌الاقصی» نام عملیات رزمندگان فلسطینی بود که توانستند با خروج از حصار غزه ضربه غافلگیرکننده و سختی به اشغالگران صهیونیستی وارد کنند و بیش از ۲۰۰ صهیونیست را به اسارت بگیرند. این عملیات و رویدادهای پس از آن به اندازه‌ای بزرگ بود که تمام حوادث سال را تحت‌الشعاع خود قرار داد. جنگ اوکراین به حاشیه رفت و برنامه‌ریزی آمریکا در غرب آسیا کاملا به هم ریخت. طوفان‌الاقصی نشان داد اسرائیل که درگیر اختلافات و اعتراضات در داخل اراضی اشغالی است، بیش از پیش ضعیف و شکننده شده است. طوفان‌الاقصی و حوادث پس از آن، اتحاد در جبهه مقاومت و افتراق در سنگر دشمن را نیز عیان کرد. این عملیات کاملا فلسطینی که بدون آگاهی سایر اضلاع مقاومت طراحی و اجرا شده بود از همان ابتدا حمایت رهبر انقلاب و سایر رهبران محور مقاومت را به دنبال داشت. «ما پیشانی و بازوی طراحان مدبر و هوشمند و جوانان فلسطینی را می‌بوسیم.» این اولین واکنش مقام معظم رهبری به عملیات غرورآفرین رزمندگان فلسطینی بود و پس از آن سایر رهبران جبهه مقاومت از سید حسن نصرالله تا عبدالملک بدرالدین الحوثی در قول و عمل به حمایت از فلسطین پرداختند. تحولات فلسطین ایران را از برنامه‌های داخلی غافل نکرد و ماهواره نور ۳ در مهر ۱۴۰۲ با موفقیت به فضا پرتاب شد. جنایت صهیونیست‌ها در حمله به بیمارستان المعمدانی در آخرین روزهای مهر ۱۴۰۲ جنگ غزه را وارد مرحله تازه‌ای کرد.

یمن و یمنی‌ها قهرمان اصلی آبان و آذر ۱۴۰۲ بودند. نیروهای مسلح یمن در آبان ۱۴۰۲ و پس از جنایت اسرائیل در بیمارستان المعمدانی اولین کشتی صهیونیستی را توقیف کردند و پس از آن نیز با هدف قرار دادن کشتی‌های اسرائیلی و یا مرتبط با اسرائیل در آذر ۱۴۰۲، عملا تنگه باب‌المندب را به روی رژیم صهیونیستی بستند. نتیجه این قدرت‌نمایی یمنی، از کار افتادن بندر ایلات در جنوب اراضی اشغالی و تغییر مسیر کشتیرانی و افزایش هنگفت هزینه‌های حمل‌ونقل دریایی برای اسرائیل و حامیانش بود.

رژیم صهیونیستی ناتوان از دستیابی به اهدافش، انتقام شکست در عملیات طوفان‌الاقصی را با افزایش جنایاتش در غزه و کشتار زنان و کودکان می‌گرفت. صبر و مظلومیت مردم غزه یک جهان را در حمایت از آنها و محکومیت اسرائیل به خیابان کشاند. دی ۱۴۰۲ ماه ثبت این تصاویر بیادماندنی از غرب آمریکا تا شرق آسیا بود. در شرایطی که برخی کشورهای غربی قوانینی علیه شرکت‌کنندگان در تجمعات ضدصهیونیستی وضع کردند؛ تصاویر انبوه جمعیت در کشورهایی مثل آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان به حمایت از فلسطین یک چیز را نشان می‌داد: اسرائیل هیچ وقت تا این اندازه در میان ملت‌های جهان منفور نبود.

اسرائیل نفرت جهانی از خود را پیامد ناکامی‌اش در عملیات طوفان‌الاقصی می‌دانست و به حذف و ترور فرماندهان مقاومت روی آورد. شهادت سید رضی، صالح العاروری، ابوتقوی و حاج جواد سوگی بود که در دی ماه به سینه‌ها نشست و حادثه تروریستی کرمان و شهادت ده‌ها نفر از زائران مزار حاج قاسم، داغ فرمانده شهید مقاومت را تازه کرد. تنها ضربه سنگین حزب‌الله لبنان در حمله به پایگاه مرون و سیلی موشکی سپاه پاسداران به مزدوران صهیونیست در اربیل و حلب، دل‌ها را در این ماه کمی آرام کرد.

سال‌هاست که در ایران ماه بهمن را همه به بیست و دومین روزش می‌شناسند. شور و شکوه مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن ۱۴۰۲ برای حمایت از انقلاب اسلامی ایران بار دیگر شاخصی تأثیرگذار در محاسبات دشمن شد. در همین ماه قوه قضائیه از استرداد اموال بابک زنجانی و تسویه بدهی‌های او پس از سال‌ها خبر داد. جمهوری اسلامی ایران در بهمن ۱۴۰۲ در کمتر ۱۰ روز ۴ ماهواره را با موفقیت به فضا فرستاد و با ماهواره‌بر قائم ۱۰۰ برای اولین بار دستیابی به مدار ۷۵۰ کیلومتری زمین را تجربه کرد. رویدادی که خشم آمریکا و ترئوئیکای اروپا را برانگیخت. حمله به پایگاه مخفی آمریکا با نام «برج۲۲» در اردن و هلاکت تروریست‌های آمریکایی نیز ضرب شستی بود که مقاومت عراق در این ماه به آمریکا به عنوان حامی اصلی جنایات اسرائیل در غزه نشان داد.

اسفند ۱۴۰۲ ماه انتخابات بود. ماهی که یک سال تلاش دشمن برای تخریب و تحریم انتخابات ایران با همه عوامل داخلی و خارجی‌اش آن‌طور که می‌خواستند به ثمر نرسید. ملت ایران علی‌رغم گله‌ها و نارضایتی‌ها فراتر از پیش‌بینی‌های خارجی پای صندوق‌های رأی حاضر شدند و پروژه تحریم انتخابات را شکست دادند. در اسفند ماه بزرگ‌ترین قرارداد گازی با سرمایه‌گذاری ۲۰ میلیارد دلاری و بزرگ‌ترین قرارداد نفتی به ارزش ۱۳ میلیارد دلار با شرکت‌های ایرانی به امضا رسید اگرچه سیل سیستان در این ماه کام‌ها را تلخ کرد.

سال یک هزار و چهارصد و دوی شمسی تا ساعاتی دیگر به پایان می‌رسد و سالی نو با رویدادهایی تازه در انتظار ماست. زمان می‌گذرد و در این تغییر و تحول دمادم آنان که چنگ به ریسمان استوار الهی زنند در امان خواهند ماند؛ پس ای گرداننده سال و احوال و ای تدبیرکننده روز و شب؛ ما را در پناه خودت به بهترین حال نگاه دار.

عصبانیت صهیونیست‌ها از افول توان آمریکا در مقابل ایران

با گذشت دو سال از آغاز جنگ اوکراین و همچنین درگیری در نوار غزه، آمریکایی‌ها احساس می‌کنند از فشار به ایران غافل شده‌اند و نمی‌توانند همزمان در چند جبهه فعالیت کنند. این مسئله نگرانی صهیونیست‌ها را نیز برانگیخته است.

آمریکایی‌ها دیگر مانند قبل نمی‌توانند همزمان در چند جبهه فعالیت مؤثر داشته باشند. حضور کشورهای غربی در جنگ اوکراین و به دنبال آن، حمایت از اسرائیل در جنگ غزه باعث شد، آمریکا و متحدینش تا حد زیادی از پرداختن به برنامه هسته‌ای ایران فاصله بگیرند.

در همین خصوص چند روزی است مراکز فکری و نخبگان غربی و صهیونیستی در اقدامی مشترک، در تلاش برای فضاسازی جهت افزایش فشار روی ایران، به بهانه برنامه هسته‌ای کشورمان هستند.

عدم وجود برنامه مشخص دولت بایدن در قبال ایران و همچنین اقدامات غیرمنتظره ترامپ در صورت پیروزی احتمالی او در انتخابات، باعث شده است مؤسسات غربی و صهیونیستی به تکاپو افتاده تا اقدامات به باور خودشان نسنجیده رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، باعث کاهش یا از دست رفتن اهرم فشار غرب علیه ایران نشود.

سرهنگ «اران لرمن»، نایب‌رئیس مؤسسه «اورشلیم برای استراتژی و امنیت» در گزارشی می‌نویسد: ایران ذخایر اورانیوم خود را به میزان قابل‌توجهی افزایش داده است. در چنین شرایطی اسرائیل، جامعه اطلاعاتی، تشکیلات دفاعی و سیاست خارجی کشورها، موظفند زنگ خطر را به صدا درآورده و دوباره به چالش‌های ناشی از برنامه هسته‌ای ایران توجه کنند. البته اگر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان ملل متحد برای مقابله با برنامه هسته‌ای ایران همراهی نکنند، تل‌آویو می‌تواند از نگرانی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه، در راستای اقدامات ضدایرانی خود استفاده کند و تغییر نگرش ایالات متحده و اروپا نسبت به تهران را افزایش دهد. در حال حاضر نشانه‌های قابل توجه از چنین تغییری، در بیانیه ماه مارس و نوامبر سال ۲۰۲۳ کشورهای اروپایی آلمان، انگلیس و فرانسه مشاهده می‌شود.

در ادامه این گزارش آمده است: حمایت ایران از روسیه، باعث تشدید تنش‌ها در اوکراین شد؛ اما دولت بایدن به تلاش‌های خود برای رسیدن به یک برنامه جامع اقدام مشترک جدید ادامه داد. ایالات متحده با آزادسازی میلیاردها دلار از دارایی‌های مسدود شده ایران، در ازای آزادی شهروندان آمریکایی بازداشت شده در تهران موافقت کرد. این موضع آشتی‌جویانه ممکن است دیگر قابل دفاع نباشد؛ تنش‌ها در حال افزایش است. حملات علیه نیروهای آمریکا در عراق و سوریه با واکنش نظامی این کشور، علیه اهداف سپاه پاسداران و شبه نظامیان مرتبط با آن مواجه شد. ستاد فرماندهی مرکزی ایالات متحده در ۴ دسامبر، حملات ارتش یمن به کشتیرانی بین‌المللی را به طور مستقیم به ایران نسبت داد و کشتی‌های نیروی دریایی آمریکا، در چندین عملیات برای مقابله با این حملات شرکت کردند.

در ادامه این ادعا آمده است: علاوه‌بر این تنش‌ها، هشدار اسرائیل مبنی بر خطر برنامه هسته‌ای ایران هم افزایش یافت. این یک تهدید است که باید با ترکیبی از تحریم‌های تهاجمی و تهدیدهای نظامی معتبر با آن برخورد کرد.

این کارشناس صهیونیست در انتهای گزارش خود می‌نویسد: اسرائیل باید در ایجاد مشروعیت لازم برای اقدام علیه برنامه هسته‌ای ایران، از طریق ارتباط با سایر کشورهای ذی‌نفع فعالیت کند. اما در صورت عدم همراهی کشورها، باید این کار را به تنهائی انجام دهد.

در حالی صهیونیست‌ها مدعی نگرانی از برنامه هسته‌ای ایران هستند که در چند ماه گذشته بارها مردم غزه را به استفاده از سلاح اتمی تهدید کرده‌اند. در چنین شرایطی که رژیم صهیونیستی با بحران مشروعیت روبه‌روست تلاش دارد تا با طرح ادعاهای ضدایرانی، اذهان جهانی را منحرف کند. هر چند از پیش مشخص است که این سناریو محکوم به شکست است.

سفیر بولیوی در تهران مطرح کرد

حمایت از فلسطین علت بسته شدن صفحات KHAMENEI.IR توسط متا

سفیر کشور بولیوی در ایران دلیل بسته شدن صفحه اینستاگرام وبسایت رهبر انقلاب اسلامی را انتشار گفتمانی منطبق بر واقعیت و حمایت اخلاقی از مردم مظلوم فلسطین دانست.

رومینا گوادلوپه پرز راموس، سفیر کشور بولیوی در جمهوری اسلامی ایران در گفت‌وگو با رسانه KHAMENEI.IR دلیل بسته شدن صفحه اینستاگرام وبسایت رهبر انقلاب اسلامی را انتشار گفتمانی منطبق بر واقعیت و حمایت اخلاقی از مردم مظلوم فلسطین دانست.

پرز راموس با بیان اینکه شرکت متا سعی می‌کند انتشار حقایق را در همه زمینه‌ها و نه فقط موضوع فلسطین محدود کند، تاکید کرد: آن‌ها صفحات اینستاگرام و فیس بوک را محدود می‌کنند، زیرا از اینستاگرام وبسایت آیت‌الله خامنه‌ای منطقاً گفتمانی که بیشتر منطبق بر واقعیت و حمایت اخلاقی از مردم فلسطین است، منتشر می‌شود.

سفیر بولیوی در ایران افزود: برای ساکت کردن و سانسور یک فرد گاهی نه تنها اینستاگرام او را می‌بندند، بلکه از بدترین شکل سانسور که زدن اتهام ناروا است استفاده می‌کنند، مثلاً او را به ضد یهود بودن متهم می‌کنند و او مجبور است بار این اتهام را به دوش بکشد.

وی همچنین یکی از دلایل اصلی تحریف و سانسور توسط رسانه‌های غربی را مقابله با نظام امپریالیسم و صهیونیسم دانست و درباره مقابله با این تحریف‌ها و بستن شبکه‌های اجتماعی رهبر انقلاب اسلامی گفت: ما نباید خود را در موقعیت قربانی قرار دهیم، این تمام چیزی است که من می‌خواهم بگویم. ما باید شناخت شناسی خودمان را داشته باشیم، باید عمل کنیم و بسیار خلاق و مبتکر باشیم. باید با روابط مستحکمی که با متحدانمان ساخته‌ایم -به حملات غرب- و به تکنولوژی آنها پاسخ دهیم.

سفیر بولیوی در ایران ضمن تاکید بر تاثیرگذاری رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به عنوان قدرت چهارم در کشورها گفت: شرکت‌هایی همچون متا هر گفتمان و سخن جایگزینی را محدود می‌کنند، زیرا اکنون شبکه‌های اجتماعی حتی بیشتر از اقدامات دیگر تعیین‌کننده‌اند. شما با یک شبکه اجتماعی می‌توانید افراد زیادی را برای راه‌اندازی یک جنگ ترکیبی بسیج کنید.

شرکت متا ۱۹ بهمن ماه ۱۴۰۲ صفحه اینستاگرام سایت KHAMENEI.IR را با بیش از ۵ میلیون دنبال‌کننده مسدود کرد.

خبر ویژه

فریدمن: نفرت جهانی بی‌سابقه علیه اسرائیل و آمریکا شکل گرفته است

روزنامه‌نگار معروف آمریکایی براساس بررسی‌ها و مشاهدات خود هشدار داد که جایگاه اسرائیل و آمریکا به خاطر جنایت در غزه، سقوط چشمگیری را در سطح جهانی تجربه می‌کند.

توماس فریدمن در روزنامه نیویورک تایمز نوشت: چند روز گذشته را در دهلی‌نو، دبی و عمان گذراندم و حالا حامل پیام مهمی هستم که باید به رئیس‌جمهور بایدن و اسرائیلی‌ها برسانم. من شاهد فرسایش سریع و فزایندهٔ جایگاه اسرائیل در میان کشورهای دوست و متحد بودم. سطحی از مقبولیت و مشروعیت که طی چند دهه به سختی ایجاد شده، در حال از دست‌رفتن است و اگر بایدن مراقب نباشد، جایگاه جهانی آمریکا نیز همگام با اسرائیل سقوط خواهد کرد.

تصور نمی‌کنم اسرائیلی‌ها یا دولت بایدن از این وضعیت خرسند باشند. رسانه‌های اجتماعی و ویدئوهای مستند، کشتار هزاران غیرنظامی فلسطینی- به‌ویژه کودکان- را با تسلیحات ایالات متحده در سراسر جهان بازتاب داده‌اند و خشمی جهانی در باب «جنگ غزه» شکل گرفته است. اسرائیل و ایالات متحده نقشی محرک و پیش‌برنده دارند و ازاین‌رو بیشتر مقصر پنداشته می‌شوند.

خشم عظیم و فروخفته‌ای در جهان عرب موج می‌زند. در خلال گفت‌وگوها در هند با دوستان، رهبران تجاری، مقام‌های رسمی و روزنامه‌نگاران، بارها تحلیل‌های خشمگنانه‌ای شنیدم. این تحلیل‌ها معنادار است؛ چرا که دولت هند، تنها قدرت بزرگ در جنوب جهان است که از اسرائیل حمایت کرده و پیوسته حماس را نکوهش کرده است.

حجم بالای تلفات غیرنظامیان در خلال جنگی نسبتاً کوتاه به‌هرنحو مشکل‌ساز خواهد شد. قربانیان در تهاجم دولت اسرائیل بدون چشم‌انداز سیاسی مشخص، جان خود را از دست داده‌اند و ازاین‌رو تعجبی ندارد که دوستان آسرائیل پراکنده شوند و نگون‌بختی تیم بایدن آغاز گردد. نخست‌وزیر اسرائیل، «بنیامین نتانیاهو»، به تلافی حملات غافلگیرانهٔ حماس، طرحی ارائه داده و گفته است: «اسرائیل قصد دارد هر دو کرانهٔ باختری و غزه را به طور نامحدود اشغال کند».

«شکر گوپتا»، سردبیر روزنامهٔ هندی «پرینت» می‌گوید: هندی‌ها احترام بسیار زیادی برای اسرائیل قائلند؛ اما آتش جنگی تمام‌نشدنی این عواطف را تحت تأثیر قرار داده. جنگی که نتانیاهو درگیر آن است، به مشروعیت اسرائیل آسیب می‌زند و درنتیجه باور به شکست‌ناپذیری ارتش، خطاناپذیری سرویس‌های اطلاعاتی و عدالت در انجام مأموریت‌های نظامی، متزلزل خواهد شد. هر روز درخواست‌های جدیدی برای محرومیت اسرائیل از مسابقات هنری و ورزشی یا رویدادهای بین‌المللی دانشگاهی مطرح می‌شود. بسیاری از دوستان اسرائیل حالا فقط دعا می‌کنند آتش‌بس شود، تا مجبور نباشند به شهروندان یا رأی‌دهندگانشان- به‌ویژه جوانان- پاسخ‌گو باشند. مردم از سران کشورها می‌پرسند که چگونه می‌توانید در قبال این حجم تلفات غیرنظامی فزاینده در غزه بی‌تفاوت باشید؟ بسیاری از رهبران عرب که در خفا خواهان نابودی حماس هستند، در مضیقه‌اند. مردم کوچه و خیابان و نخبگان، از آنها می‌خواهند از اسرائیل فاصله بگیرند.

حالا ترکیبی سمی روبه‌روی ماست. عملیات پاک‌سازی اسرائیل در غزه مثل چرخ‌گوشت عمل می‌کند و هدفش، کاستن از جمعیت است تا اسرائیل بتواند راحت‌تر، منطقه را در دست بگیرد. باورش سخت است، اما نتانیاهو آماده است تا مشروعیت بین‌المللی اسرائیل را که به سختی به دست آمده، قربانی منافع شخصی‌اش کند. اما نکتهٔ مهم‌تر این است که فرصت تاریخی اسرائیل برای دفع شر حماس، در حال هدر رفتن است؛ زیرا نتانیاهو از پذیرش هر چشم‌انداز، برای پیش‌برد «راه‌حل دو دولتی» امتناع می‌ورزد.

این دشوارترین و خودخواهانه‌ترین کاری است که اسرائیلی‌ها اکنون می‌توانند برای خود انجام دهند. اسرائیل امروز در سه جبهه به طور همزمان تضعیف شده. دولت اسرائیل درحال از دست‌دادن روایتی جهانی است. نتانیاهو هنوز برنامهٔ روشنی برای خروج از غزه ندارد و با اشغال دائمی غزه، روابطش را با متحدان عرب و دوستانش در جهان پیچیده کرده است. در منطقه نیز آماج حملات ایران و نیروهای نیابتی در لبنان، سوریه، عراق و یمن است که مرزهای شمالی، جنوبی و شرقی را محاصره کرده‌اند.

اسرائیل با ناتوانی در درک اهمیت موضوع، چندین دهه دیپلماسی را به خطر انداخته است. وضعیت کنونی، دولت بایدن را در موقعیتی غیرقابل دفاع قرار می‌دهد و بی‌شک به کام دشمنان است.

امثال خاتمی و خوئینی‌ها به ۱۰۰درصد ملت ایران خیانت کردند

دبیر مجمع روحانیون می‌گوید: کسانی که میوه انتخابات را چیده و از کشته خویش ناخرسندند، گریبان کسانی را گرفته‌اند که با اکثریت همراهی و همدلی کرده‌اند.

سید محمد موسوی خوئینی‌ها درباره انتخابات مجلس نوشت: «آمارها و تحلیل‌ها میزان مشارکت را ۳۰ تا ۴۱درصد واجدین شرایط رأی تخمین زدند. پس از انتخابات، عده‌ای با ابراز خوشحالی از همین میزان مشارکت، آن را نشانه شکست دشمن و مُشتی محکم بر دهان بدخواهانی دانستند که مشارکتی کمتر از این را پیش‌بینی می‌کردند. بسیاری هم پیش از انتخابات برای مشارکت حداکثری تلاش کردند و تمام امکانات و ابزار تبلیغاتی را به کار بستند و البته خیلی زود متوجه ناکامی خود شدند.

این گروه تبلیغات دشمنان خارجی را یکی از علل عدم مشارکت حداکثری معرفی می‌کنند و به اکثریت مردم این سرزمین که در انتخابات شرکت نکردند، تهمت همراهی با بدخواهان مُلک و ملت و دین می‌زنند، و گویی توجه ندارند که با این کار به ده‌ها میلیون شهروندی توهین می‌کنند.

از نظر کسانی‌که همواره سخن از انقلاب و ضدانقلاب می‌گویند، گویا مردمی که پای صندوق آمدند و رأی دادند (ولو رأی باطله)، طرفدار انقلاب و بلکه انقلابی‌اند و از این منظر لابد آن ۶۰درصد که پای صندوق نیامدند، ضدانقلاب‌اند.

از قدیم گفته‌اند انصاف چیز خوبی است، حتی اندکی از آن؛ اکنون بفرمایند چه کسانی بیشترین خسارت‌ها را به ارزش‌های متعالی ملی و دینی وارد کرده‌اند، کسانی‌که با عملکردشان بیش از ۶۰درصد مردم را از دست داده‌اند و برای به دست آوردن کمتر از ۴۰درصد تمام مقدسات و ارزش‌های ملی و معنوی را هزینه می‌کنند یا دیگران؟

کسانی که میوه درخت رنجور انتخابات را چیده‌اند و از کشته خویش ناخرسندند و نمی‌خواهند بدانند که چه کرده‌اند و چه می‌کنند که کار انتخابات به این‌جا کشیده شده است، گریبان کسانی را گرفته‌اند که با اکثریت همراهی و همدلی کرده‌اند.

یکی از این کارها رفتاری است که نسبت به شخصیتی مانند جناب آقای خاتمی در پیش گرفتند، شخصیتی که در انتخابات سال ۱۳۷۶ ابر و باد و مه و خورشید و فلک را به کار گرفتند تا مردم به او رأی ندهند، ولی اکثریت قاطع رأی‌دهندگان او را انتخاب کردند. در دوران ریاست‌جمهوری او به جای آنکه حرمت انتخاب مردم را نگه دارند، هر از چندی مانعی بر سر راهش ایجاد کردند، و البته با همه آن کارشکنی‌ها، طبق آمار، موفقیت‌های او از آن پس تکرار نشده است.

آنها باز هم بر شخصیتی که اگر امروز محبوب‌ترین نباشد دست‌کم یکی از محبوب‌ترین‌ها است می‌تازند و نکته‌ای که از آن غافل‌اند این است که از این رفتار دور از انصاف و آداب انسانی با خاتمی، چه کسی زیان می‌کند. آنکه زیان می‌بیند نه خاتمی که کسانی‌اند که بر شیوه نادرست مدیریت‌شان بر کشور اصرار می‌ورزند و خودشان و مردم را گرفتار مشکلات روزافزون کرده‌اند و بدین‌ترتیب از همان سی‌واندی درصد هوادار خود نیز می‌کاهند. ای‌کاش بدانند که در امر حکمرانی، پیروزی سرانجام با اکثریت است».

درباره سفسطه‌بازی موسوی‌خوئینی‌ها چند نکته شایان تذکر است.

اولاً؛ ادعای احترام به اکثریت و تلاش برای مصادره به مطلوب با این واژه، به هیچ وجه با سابقه عملکرد امثال خاتمی و موسوی‌خوئینی‌ها سازگار نیست. آنها در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ در حالی رای ۲۴/۵ میلیون نفر را زیر پا گذاشتند که در پستو اذعان می‌کردند تقلبی آن هم به میزان ۱۱میلیون رای امکان ندارد و اتفاق نیفتاده است. کسانی که یک‌بار توانستند با چنان دروغی به مردم خیانت کنند، نوبت‌های بعدی وجدان درد کمتری خواهند داشت؛ البته اگر وجدانی برای‌شان باقی مانده باشد.

نکته دوم؛ فارغ از میزان شرکت‌کنندگان و رای‌ندادگان و انگیزه‌های مختلف کسانی که رای ندادند، این ننگ در تاریخ به نام خاتمی و موسوی‌خوئینی‌ها و برخی اعضای مرکزیت مجمع روحانیون ثبت شد که با وجود همه ادعاهای همراهی با امام و انقلاب، کنار گروهک‌های ورشکسته‌ای مانند سلطنت‌طلبان و بهائیت و سازمان تروریستی منافقین ایستاده و نقش پادو و پیاده‌نظام را در نقشه آمریکا و اسرائیل برای تخریب انتخابات بازی کردند. ننگ تخریب و تحریم این انتخابات را به ننگ شورش علیه جمهوریت و اسلامیت در سال ۸۸ اضافه کردند.

سوم؛ پدرخوانده‌های افراطیون مدعی اصلاحات عمداً کتمان می‌کنند اما روزنامه‌های اصلاح‌طلب متعددی مانند شرق و سازندگی و دیگران بارها نوشتند که در اغلب کشورهای دنیا و در بسیاری از انتخابات‌ها حداکثر مشارکت ۷۰درصد است و ۳۰درصد غالباً میل به مشارکت ندارند.

روزنامه شرق: «مثل اکثر جوامعی که در آنها انتخابات وجود دارد، حدود ۳۰درصد جامعه، تقریباً در هیچ انتخاباتی شرکت نمی‌کنند؛ چون چندان برای‌شان فرق نمی‌کند که چه کسانی و چگونه حکومت کنند. درباره ۳۰درصد باقی‌مانده، آیا با قطعیت می‌توانیم بگوییم که در سبد معترضان هستند و در شمار تحریم‌کنندگان به حساب آورد؟ از این ۳۰درصد، چه تعداد به دلیل رقابتی‌نبودن انتخابات رأی ندادند و چه درصدی به دلیل نیافتن کاندیدای مطلوب، و چه درصدی واقعا به دلیل اعتراض؟ آیا می‌توان درصد هرکدام را، نه حتی دقیق، بلکه خیلی سردستی محاسبه کرد؟ با توجه به این محاسبه‌ناپذیری، چگونه می‌توان از ۶۰درصد رأی اعتراضی سخن گفت؛ آن‌هم وقتی آرای ۳۰درصد اول را قطعاً نمی‌توان به حساب معترضان ریخت. علاوه بر آن، سه دسته اخیر هم قابل شمارش نیستند.»

روزنامه سازندگی: «آنها که در انتخابات شرکت نمی‌کنند را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. دسته اول و بزرگ‌تر که معمولاً در همه کشورها یافت می‌شوند؛ نسبت به انتخابات بی‌تفاوتند و برای‌شان فرقی نمی‌کند چه کسی سکان هدایت کشور را به دست دارد. معمولاً از مسائل دورند. اگر دقیق شویم، تقریباً ۳۰درصد هر جامعه را تشکیل می‌دهند. گروه دوم که آنها هم گروه بزرگی هستند، انگیزه و دلیلی برای حضور در انتخابات نمی‌بینند... اگر دقت کنیم، نه دسته اول، صحبتی از تحریم می‌کنند و نه گروه دوم، هدف‌شان تحریم است. اما دسته سومی هستند که اتفاقاً صدای بسیار بلندی دارند. آنها در همه این ۴۵ سال پس از انقلاب، وجود داشته‌اند و بدون آنکه بشود آرای تحریم را شمرد، مدعی آن ۳۰درصد همیشه خاموش و آن گروه بی‌انگیزه دوم شده و همه عدم مشارکت را به حساب پروژه خود زده‌اند».

نکته چهارم؛ خاتمی دو سال قبل در انتخابات شورای شهر تهران از فهرست «لیست جمهور» حمایت کرد اما نفر اول آن فهرست نتوانست حتی ۳۹هزار رای کسب کند. همچنین طی چهار سال فاصله میان انتخابات مجلس یازدهم و دوازدهم، مشارکت یک درصد در کاهش داشته و حال آن که خاتمی چهار سال قبل در انتخابات شرکت کرد. خاتمی فاقد کمترین پایگاه اجتماعی انگیزشی (مثبت) است اما برای این که (به هر قیمت) دیده و سوی بیگانگان به بازی گرفته شود، این‌بار سعی کرد خود را در دسته تحریمی‌هایی جانمایی کند که به اذعان نشریات اصلاح‌طلب پایگاهی میان مردم ندارند.

پنجم؛ خاتمی و پدرخوانده‌های جبهه اصلاحات سهامدار هشت‌ساله دولتی بودند که رحم اجاره اصلاح‌طلبان خوانده می‌شد و بدترین رکوردها و میراث اقتصادی را برجا گذاشت. طبعاً این میراث منفی (معدل هشت سال رشد اقتصادی نزدیک به صفر، افتخار به نساختن مسکن، کثافتکاری نامیدن پالایشگاه‌سازی، مافیایی خواندن ساخت نیروگاه جدید، تعطیلی کارخانه‌ها و تورم ۶۰درصد) که برطرف کردن آن مجالی دست‌کم نصف عمر دو دولت روحانی را می‌طلبد، در دلزدگی بخشی از مردم مؤثر بوده است. در واقع می‌توان گفت سهامداران آن مدیریت اشرافی غربگرا، به صددرصد ملت ایران خیانت کرده و به زند